

عوامل مؤثر بر

جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران

غلامرضا خواججه‌سروی*

چکیده

عوامل بسیار زیادی بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان یک جامعه تاثیر گذار می‌باشند. در این مقاله میزان تاثیر برخی از این عوامل بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است. تاثیر میزان استفاده از رسانه‌های دولتی بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی، تاثیر معضل بیکاری و تفکرات ناشی از مشکلات اقتصادی بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی و همچنین تاثیر تفکرات مذهبی خانواده بر میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان این روند، سه فرضی می‌باشند که در این مقاله مورد تحلیل قرار گرفته شدند. اطلاعات پژوهش نیز با روش پیمایشی، از نمونه‌ای با حجم ۱۲۱۰ نفر از میان دانشگاه‌های دولتی سراسر کشور با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب و جمع‌آوری شده و تحلیل آنها نیز با نرم افزار spss انجام شده است.

نتایج مربوط به بررسی این فرضیات نشان می‌دهد که استفاده بیشتر از رسانه‌های دولتی باعث جامعه‌پذیری سیاسی بیشتر دانشجویان شده و همچنین در فرض دوم، به هر میزانی که افراد دانشجو مشکلات اقتصادی و بیکاری جامعه را بیشتر بدانند، از جامعه‌پذیری سیاسی کمتری برخوردار می‌باشد و در نهایت فرض سوم نیز نشان می‌دهد که دانشجویان با پایگاه خانوادگی مذهبی سنتی از جامعه‌پذیری سیاسی بیشتری نسبت به دانشجویان با پایگاه خانوادگی غیر مذهبی برخوردارند.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌پذیری سیاسی، دانشجویان، بیکاری، دینداری، رسانه‌ها.

* دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی khajehsarvy@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۱

۱. مقدمه

بی تردید یکی از مهمترین کارویژه های دولت های مدرن در درون یک کشور و یا محیط اجتماعی - سیاسی، تلاش در جهت حفظ و سپس انتقال و گسترش ارزشهای سیاسی و اجتماعی نظام سیاسی خویش به نسل های بعدی می باشد که در صورت بی توجهی به این مهم، تداوم کارکردی نظام سیاسی مذکور با مشکل مواجه می گردد؛ این فرایند اصطلاحاً جامعه پذیری (سیاسی) نامیده می شود.

جامعه پذیری یا فرهنگ پذیری سیاسی فرایندی است که بر اساس آن جامعه گرایش ها، نگرش ها، دانش ها و اطلاعات و خلاصه ارزش ها و معیارهای سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند. در واقع جامعه پذیری سیاسی یکی از ابعاد فرعی فرهنگ در سطح جامعه به شمار می آید و از آن جدا نیست ولی در عین حال با آن تفاوت دارد. همانطور که جامعه پذیری فرهنگی در جامعه به فراگردی گفته می شود که بر اساس آن فرد یا ساخت های عقیدتی - نظری و الگوهای رفتاری فرهنگ در جامعه خویش آشنا می شود و با آنها ارتباط برقرار می کند، جامعه پذیری سیاسی نیز که یکی از ابعاد نوعی فرهنگ کلی جامعه است، به معنی وسیع فراگردی است که یک جامعه از طریق آن فرهنگ سیاسی خود را از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند (مهرداد؛ ۱۳۷۶: ۱۷). از طرف دیگر جامعه پذیری سیاسی موضوعی مرتبط با فرهنگ سیاسی Political Culture می باشد. ضمن آنکه فرهنگ سیاسی اعم از روند جامعه پذیری سیاسی Political Socialization بوده و علاوه بر آن در زیر مجموعه ی مطالعه ی عملی جامعه پذیری اجتماعی - مورد توجه جامعه شناسان و روانشناسان اجتماعی و دیگر متخصصان علوم اجتماعی - جای می گیرد (ثمر حسین؛ ۲۰۰۱: ۳۸). همچنانکه « آنتونی اورم » بیان داشته است جامعه پذیری عبارت از فرایندی است که بواسطه آن انسان ها چهارچوب اعتقادی، ارزشی و گرایشات موجود در جامعه را کسب می نمایند. این تعریف توسط "کاردینر" چنین تکمیل گردید که فرایند جامعه پذیری وسیله ی رسیدن به توافق جمعی میان اعضای جامعه است که از طریق آن ایشان شیوه ها، ارزش ها و نقش های اجتماعی را فرا گرفته و هر یک از اعضاء دارای هویتی اساسی می گردد (همان؛ ۴۵).

به طور کلی جامعه‌پذیری سیاسی با گرایش‌های توجیهی مردم از مسایل و وقایع سیاسی ارتباط دارد و مقوله‌ای است که توجه را به کیفیت شناخت سیاسی، اعتقادات و ارزش‌های یک شهروند متوسط جلب می‌کند. مثلاً یک شهروند از دولت خود چه انتظاراتی دارد؟ آیا به پشتیبانی از قوانین، احکام و مقررات مملکتی تمایلی نشان می‌دهد؟ و تحت چه شرایطی؟ موضوع جامعه‌پذیری سیاسی چند پیش‌فرض را در بر دارد. نخستین پیش‌فرض اینست که در کشورهای مختلف شهروندان نسبت به رهبران و ساخت‌های سیاسی خود احساس مختلفی دارند و عقاید گوناگونی را ابراز می‌دارند. دومین پیش‌فرض اینست که گرایش‌هایی که شهروندان یک مملکت درباره امور سیاسی کشورهای خود دارند، بر چگونگی عملکرد سیاسی نظام اثر می‌گذارد. سومین پیش‌فرض اینست که عملکرد یک نظام سیاسی به طور قابل ملاحظه‌ای با حالات رفتار و ارزش‌های مردم آن ارتباط بسیار نزدیک دارد، بدین معنی که سیاست در هر جامعه به همانگونه‌ای شکل می‌گیرد و پیاده می‌شود که شهروندان تحت لوای یک نظام به آن اعتقاد دارند و احساس می‌کنند (Langton, 1992: 56).

با توجه به پیش‌فرض‌های فوق، می‌توان سوال اساسی تری را نیز مطرح ساخت. مثلاً چه مکانیسم‌های اجتماعی است که تعیین‌کننده خصوصیات و مشخصات سیاسی یک ملت است؟ بخشی از پاسخ به این سؤال را می‌توان در مساله جامعه‌پذیری سیاسی جستجو کرد. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد، جامعه‌پذیری سیاسی به فراگردی اطلاق می‌شود که در جریان آن، شهروندان دیدگاه‌های خود را از جهان سیاست کسب می‌کنند. به بیان دیگر، جامعه‌پذیری سیاسی کانالی است که از مجرای آن یک نسل دیدگاه‌ها، عقاید و معیارهای سیاسی خود را به نسل بعد از خود منتقل می‌کند. همچنین، واژه «انتقال فرهنگی» در واقع همان فراگرد جامعه‌پذیری سیاسی است؛ فراگردی که هم از طریق برنامه‌های آموزش رسمی و هم از طریق آموزش غیر رسمی، - که غالباً به صورت نا آگاهانه در خانواده، گروه‌های همسن و مدرسه انجام می‌گیرد - وظیفه نگهداری انتقال و تداوم نگرش‌ها و ارزش‌های سیاسی بین نسل‌ها را بر عهده دارد. رونالد چیلکوت نیز "جامعه‌پذیری سیاسی را امری می‌داند که حول نقش‌های فردی محتوا و عاملان فعال در فرایند یادگیری در مورد سیاست دور می‌زند (چیلکوت، ۱۳۷۷: ۳۵۸). این در حالی است که جامعه‌پذیری سیاسی از اوان زندگی بتدریج شکل گرفته و در

مرحله نوجوانی و جوانی به شکل کامل خود نزدیک شده که در این میان، جوانان و نوع جامعه‌پذیری آنها نسبت به نظام سیاسی از اولویت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود چرا که جامعه‌پذیری سیاسی آنها در این مرحله از نوعی آگاهی برخوردار می‌باشد و این روند ممکن است در سراسر زندگی یک فرد نسبت به نظام سیاسی خویش، تداوم یابد. در میان جمعیت عظیم و گسترده جوانان، چگونگی و عوامل مؤثر بر روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان از اهمیت والایی برخوردار است چرا که دانشجویان به عنوان قشر تحصیلکرده و در عین حال مرجع جامعه، تاثیرگذاری زیادی در روند تحولات سیاسی و اجتماعی کشور دارند. در طول دوران ۳۵ ساله حیات نظام جمهوری اسلامی دانشجویان از اقشار مهم و تاثیرگذار در تمامی عرصه‌ها بویژه سیاسی بوده‌اند که شدت و ضعف فعالیت آنها در دوره زمانی فعالیت دولت‌های مختلف، متفاوت بوده است این تفاوتها تا حد زیادی متأثر از تفاوت در نوع جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان نیز می‌باشد که در این مقاله به روند و چگونگی جامعه‌پذیری سیاسی آنان پرداخته می‌شود.

۲. مبانی نظری تحقیق

۲-۱. نظریات ساختاری درباره‌ی جامعه‌پذیری سیاسی

۲-۱-۱. نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز و جامعه‌پذیری سیاسی

نظریه جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی نظریه‌ای مستقل نیست و نمی‌تواند ترجمان تمامی پدیده‌های رفتاری باشد، بلکه مهره‌ای است از یک مجموعه نظری گسترده‌تر و جزئی از نظریه کارکردگرایی ساختاری. اصل نظریه ساختاری-کارکردی متعلق به پارسونز بوده است. به عقیده وی هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم حیات خود ناگزیر از انجام دادن چهار کارکرد مختلف است که شرط اساسی تداوم نظام محسوب می‌شود. چهار کارکرد مد نظر پارسونز عبارتند از: حفظ و نگاهداری الگو، دستیابی به هدف، تطبیق یا سازواری و یکپارچگی. ارتباط این نظریه با جامعه‌پذیری سیاسی در حفظ و نگاهداری روشن می‌شود، یعنی هر جامعه‌ای می‌کوشد تا از طریق جامعه‌پذیری فرهنگی، گرایش‌ها، اعتقادات، ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی و فرهنگی را به منظور حفظ و نگه‌داری کل نظام اجتماعی به نسل‌های بعد منتقل سازد (خواجه سروی، ۱۳۷۸: ۲۹۳). بنابراین می‌

بینیم که نظریه جامعه‌پذیری سیاسی پارسونز نظریه‌ای فرهنگی است. از دید پارسونز بین جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی از یک رابطه و تأثیر و تأثر متقابل برخوردارند، یعنی بر اساس نوع فرهنگ سیاسی در هر جامعه‌ای، جامعه‌پذیری و محتوای آن جامعه مشخص می‌شود. از طرف دیگر بر اساس جامعه‌پذیری و فرهنگ سازی دست اندرکاران، نوع فرهنگ سیاسی آن جامعه شکل می‌گیرد (اختر شهر، ۱۳۸۶: ۷۵).

از اینرو جامعه‌پذیری سیاسی که کار انتقال محتوای فرهنگ سیاسی را برعهده دارد، سبب حفظ و نگه‌داری فرهنگ سیاسی یک جامعه می‌شود. جامعه‌پذیری سیاسی گاهی تغییراتی را در فرهنگ سیاسی یک جامعه به وجود می‌آورد.

۲-۱-۲. لوسین پای و جامعه‌پذیری سیاسی از زاویه فرایند رشد

پای نظریه خود را در حوزه‌نوسازی و توسعه سیاسی در جارجوب "نظریه بحران" مطرح کرده است. پای معتقد است که یک نظام سیاسی برای تحقق فرایند توسعه سیاسی، باید بتواند از یک سلسله بحران‌ها به طور موفقیت‌آمیز عبور کند. این بحران‌ها عبارتند از: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران توزیع، بحران نفوذ، بحران مشارکت و بحران یکپارچگی.

عبور موفقیت‌آمیز از این بحران‌ها توسط کارکردهای نظام سیاسی و فرایند جامعه‌پذیری انجام می‌گیرد. از دید پای جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی سه مرحله‌ای است که از جامعه‌پذیری عمومی یا پایه از ابتدای زندگی فرد آغاز شده و به فرایند گمارش سیاسی می‌رسد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۳۸۴). بر اساس نظریه پای در یک جامعه پویا بین این سه فرایند درجه بالایی از پیوستگی و تداوم وجود دارد، به طوری که هر یک دیگری را تقویت می‌کند. بهم پیوستگی میان این سه فرایند سبب برقراری نظم در جامعه می‌شود. در جوامع انتقالی، شرایط کاملاً متفاوت است بطوریکه این مراحل فاقد انسجام و به هم پیوستگی می‌باشند. به علاوه فقدان ثبات و عدم تداوم برای فرایند جامعه‌پذیری پایه سبب بروز مشکلاتی برای شکل‌گیری هویت فرد می‌شود (اختر شهر، ۱۳۸۶: ۷۲-۷۳). از اینرو نوعی بحران هویت پایه برای فرد به وجود می‌آید که می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های دیگر نیز می‌شود. اینک به فرایند سه مرحله‌ای جامعه‌پذیری سیاسی پای خواهیم پرداخت:

لوسین پای فرایند جامعه‌پذیری سیاسی را دریچه فرایند رشد مورد ارزیابی قرار داده و آن را شامل سه مرحله ی مهم می‌داند که عبارتند از:

مرحله اول: فرایند جامعه‌پذیری پایه که در این مرحله کودک با فرهنگ جامعه آشنا شده، و به او آموزش داده می‌شود که چگونه می‌تواند عضو این جامعه شود. در سطح آشکار این فرایند شامل یادگیری نگرش‌ها و ارزش‌ها و مهارت‌ها، الگوی رفتاری و تمامی دیگر جوانب یک جامعه خاص می‌باشد. در سطح پنهان این فرایند شامل تمام تجربیاتی می‌شود که ناخودآگاه فرد را شکل داده و پویایی ساختار شخصیت اساسی را تعیین می‌کند. در این مرحله فرد هویت خود را به عنوان یک عضو جامعه پیدا می‌کند و به عبارتی در فرهنگ عمومی خویش، اجتماعی می‌شود. این مرحله دوران تشخیص هویت خود است که مفهوم هویت فرهنگی نیز در این مرحله تحقق می‌یابد (شارع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۰). مرحله دوم، جامعه‌پذیری سیاسی. بعد از فرایند جامعه‌پذیری پایه، جامعه‌پذیری مطرح می‌شود که بواسطه آن فرد نسبت به جهان سیاسی خود آگاهی یافته، نحوه فهم حوادث سیاسی و نحوه قضاوت در مورد آنها را کسب می‌کند. در این مرحله فرد فرهنگ سیاسی جامعه خود را در خود درونی ساخته، مفهوم هویت سیاسی نیز در این مرحله تحقق می‌یابد (پیشین، ۱۳۰).

مرحله سوم، فرایند گمارش سیاسی است، یعنی زمانی که فرد در ورای نقش منفعلانه شهروندی و مشاهده گر حرکت نموده و به یک شهروند مشاهده گر فعال تبدیل می‌شود. او در این مرحله بینش عمیق تری نسبت به امور سیاسی یافته و به هویتی نهادینه شده و روشن دست یافته است (سبزی پور، ۱۳۸۷: ۴۲).

از اینرو دیده می‌شود که جامعه‌پذیری سیاسی مد نظر پای، فرایندی مرحله ای و متصل به هم می‌باشد که در جریان رشد فرد تکامل یافته و موجب هویت و عمل سیاسی افراد می‌شود. و وقفه یا اختلال در هر یک از این مراحل ممکن است جامعه‌پذیری فرد را متوقف کرده و سبب ایجاد بحران هم در فرد و هم در نظام سیاسی شود.

۲-۲. نظریات مربوط به عوامل مؤثر بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی

۲-۲-۱. عوامل جامعه‌پذیری سیاسی

در جریان جامعه‌پذیری سیاسی چند عامل مهم و اساسی دخالت دارند که از جمله می‌توان به خانواده، مدرسه، گروه‌های هم‌تا، محیط کار، رسانه‌های جمعی و

کارگزاران حکومتی، انجمن‌های ارادی و نهاد دین را نام برد. عواملی مانند خانواده، دوستان و گروه همسالان جزء عوامل اولیه جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشند و وسایل ارتباط جمعی، مکان‌های آموزشی، انجمن‌های ارادی، کارگزاران حکومتی و نهاد دین از عوامل ثانویه می‌باشند (حاجیان و جهانگیری، ۱۳۸۷: ۹۳). که این عوامل در ذیل به صورت مختصر توضیح داده خواهد شد.

۱. خانواده: خانواده نخستین پنجره کودک به جهان بیرون از خانواده و نخستین تماس او با اقتدار است. خانواده تأثیر آشکار و پنهانی را بر ذهن کودک بر حای می‌گذارد. تأثیرهای پنهان سراسر ایستارهای او را نسبت به اقتدار متأثر می‌کند و تأثیرهای آشکار سبب تحول افکار سیاسی او می‌شود. ایستارهای فرمانبرداری و همکاری، ایستارهای اعتراض و مبارزه طلبی در معرض تأثیرهای خانوادگی است (عالم، ۱۳۸۵، ۱۲۰).

۲. مدرسه: مدرسه نیز به مانند خانواده تأثیرهای آشکار و پنهانی را بر روند جامعه‌پذیری سیاسی افراد بر جای می‌گذارد. مدارس در شکل گرفتن ایستارهای مربوط به قواعد نانوشته‌ی بازی سیاسی نقش مهمی دارند (Essen; 2010, 161). در عین حال که نظام آموزشی اثرهای مهمی بر روند جامعه‌پذیری دارد، اما ممکن است ارزشهایی که مدارس و دانشگاه‌ها از آن برخوردارند نتیجه تلقین سیاسی مستقیم نباشد. همانگونه که لیپست عنوان می‌کند: تأثیر دانشگاه بر ارزشهای سیاسی پیچیده است و ممکن است محیط آن صرفاً آگاهی سیاسی را بیشتر کند، بی آنکه بر ایستارهای عمده سیاسی اثر بگذارد (شارع پور، ۱۳۷۸: ۱۳۰).

۳. گروه‌های همتا: یا دل‌بسته تأثیر پایدارتری از مدارس و دانشگاه‌ها دارند. این گروه‌ها متشکل از افرادی بیرون از خانواده و به‌نسبه همسال می‌باشند، که موقعیت، مسائل و علاقمندی‌های مشابهی دارند. تجربیات افراد در میان دوستان در ایجاد تغییری کامل در ایستارهای ذهنی آنها اساسی است (Data; 1992, 126).

در نتیجه چنین تأثیراتی ایستاری خصومت آمیز و پرخاشگرانه به آسانی ممکن است به ایستار همکاری تبدیل شود یا برعکس (عالم، پیشین). در واقع در برخی موارد گروه‌های هم‌سال اعضای خود را با تحریک و فشار مجبور به تطبیق با نگرش‌ها یا رفتار مورد قبول می‌کنند (قوام، ۱۳۷۳: ۸۰).

۴. محیط (کار) آموزشی: که شامل محیط‌های کاری و مدارس و دانشگاه‌ها نیز می‌شود. تجربه‌های محیط کار بسیار مهم است. طرز رفتار کارفرما با کارگران،

بینش و قضاوتی درباره طبیعت بشر در آنها می‌پروراند. کودکی که در محیط خانوادگی دمکراتیک بزرگ شده باشد، اگر رفتار کارفرما با وی از روی پستی باشد خشم نشان می‌دهد (جعفری نژاد، ۱۳۸۶: ۵۶).

۵. وسایل ارتباط جمعی: به ابزارهایی اشاره دارد که کار انتقال پیام به جمع کثیری از افراد را بر عهده دارد. نظام کنترل شده رسانه‌های جمعی نقش بسیار مؤثری در جامعه‌پذیری سیاسی بازی می‌کند. رسانه‌های جمعی در ایجاد یکپارچگی و هماهنگی نظرات افراد نسبت به نظام سیاسی می‌توانند با اهمیت باشند و بنابراین "نقشه‌شناسایی" افراد را شکل دهند. یا همانگونه که لوسین پای تأکید می‌کند، رسانه‌های جمعی مناسب‌ترین روش موجود برای جامعه‌پذیری است (شارون؛ ۱۳۷۹، ۱-۳). بنابراین رسانه‌ها نقش به‌سزایی را در انتقال پیام‌های سیاسی، تقویت گرایش‌های سیاسی موجود، ایجاد نگرش‌های سیاسی جدید، آماده‌سازی افکار عمومی در جهت پذیرش و انجام مشارکت سیاسی و نهایت مشروعیت سیاسی و انسجام سیاسی در یک جامعه بر عهده دارند (فیروز جایان، جهانگیری، ۹۶).

۶. حکومت و کارگزاری‌های حزبی: ارتباط مستقیم رسمی یا غیر رسمی با نخبگان نظام سیاسی نیروی پر توانی به وجود می‌آورد که یکی از مهمترین عامل‌های جامعه‌پذیری سیاسی را شکل می‌دهد. احزاب سیاسی با تبلیغات سیاسی، مبارزه و فعالیت انتخاباتیافته ارائه نظریات سیاسی به صورت نوشته یا شفاهی و با مشخص و مترکم کردن منافع سیاسی، نقش عامل مستقیم جامعه‌پذیری سیاسی را بازی می‌کند (عالم، ۱۳۸۵: ۱۲۲).

۷. دین و نهاد‌های دینی: دین به عنوان یکی از مهمترین متغیرهای فرهنگی تأثیر به‌سزایی را در جامعه‌پذیری فرد به‌طور اعم و جامعه‌پذیری سیاسی به‌طور اخص دارد (آلموند و دیگران، ۱۳۷۶). ارزشها و هنجارهای دینی در تمام اجزا جامعه رسوخ کرده و همواره آنها را متأثر می‌سازد. افراد به‌عنوان چهره فعال جامعه از این تأثیر مستثنی نیستند. مطالعات نشان می‌دهد که بین افراد دارای تعهد دینی بالا و پایین‌تر رفتار سیاسی تفاوت وجود دارد. به این معنی که مجموعه نهاد دین همواره کسانی را که وابستگی دینی بالاتری دارند بیشتر متأثر کرده و این تأثیر رفتار سیاسی فرد را نیز شامل می‌شود. به‌طور کلی میزان التزام دینی همواره می

تواند یکی از عوامل تأثیر گذار بر شیوه جامعه پذیری سیاسی فرد در نظر گرفته شود (فیروز حاجیان و جهانگیری، ۱۳۸۷: ۹۷).

۲-۲-۲. نظریه دووس از مؤسسات جامعه‌پذیری سیاسی

طبقه بندی «دووس» از مؤسسات جامعه‌پذیری اجتماعی از نظر فراگیری و تحلیل بسیار جامع‌تر از طبقه بندی‌های پیشین است که به اختصار بیان گردید. او در این طبقه بندی از ۵ نوع مؤسسات به شرح ذیل یاد می‌نماید (مهرداد، ۱۳۷۶):

۱- ساختار سیاسی رسمی: در اینجا «دووس» متوجه ساختارهای رسمی حکومت است که نقشی اساسی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و ارائه‌ی توجیحات سیاسی برای شهروندان در جهت بیان اهمیت نظام سیاسی ایفا می‌نمایند. از مهم‌ترین مؤسسات رسمی که به فرایند جامعه‌پذیری سیاسی می‌پردازند، مدارس عام منسوب به حکومت، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی است که به ارائه‌ی شیوه‌های مطالعاتی معینی از طبیعت جامعه و نظام سیاسی و مکتب سیاسی عام آن می‌پردازند. ضمن آنکه این مؤسسات تبلیغات در سطح محلی و فراتر از آن را انجام داده و در ارتباطات مختلف جمعی نقش آفرین هستند (Bullis; 2003, 128).

۲. ساختار سیاسی غیررسمی: مراد از آن ساختار سیاسی‌ای است که سرشت رسمی حکومتی نداشته باشد. مانند «احزاب سیاسی» و «وسایل ارتباط جمعی» در جوامع مردمسالار و «گروه‌های فشار سیاسی». اگر چه بخش بزرگی از جامعه‌پذیری سیاسی به شکل بالفعل از طریق تأثیر نقش والدین و افراد خانواده شکل می‌گیرد اما این مؤسسات نیز دارای تأثیر عمیقی بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشند (پیشین).

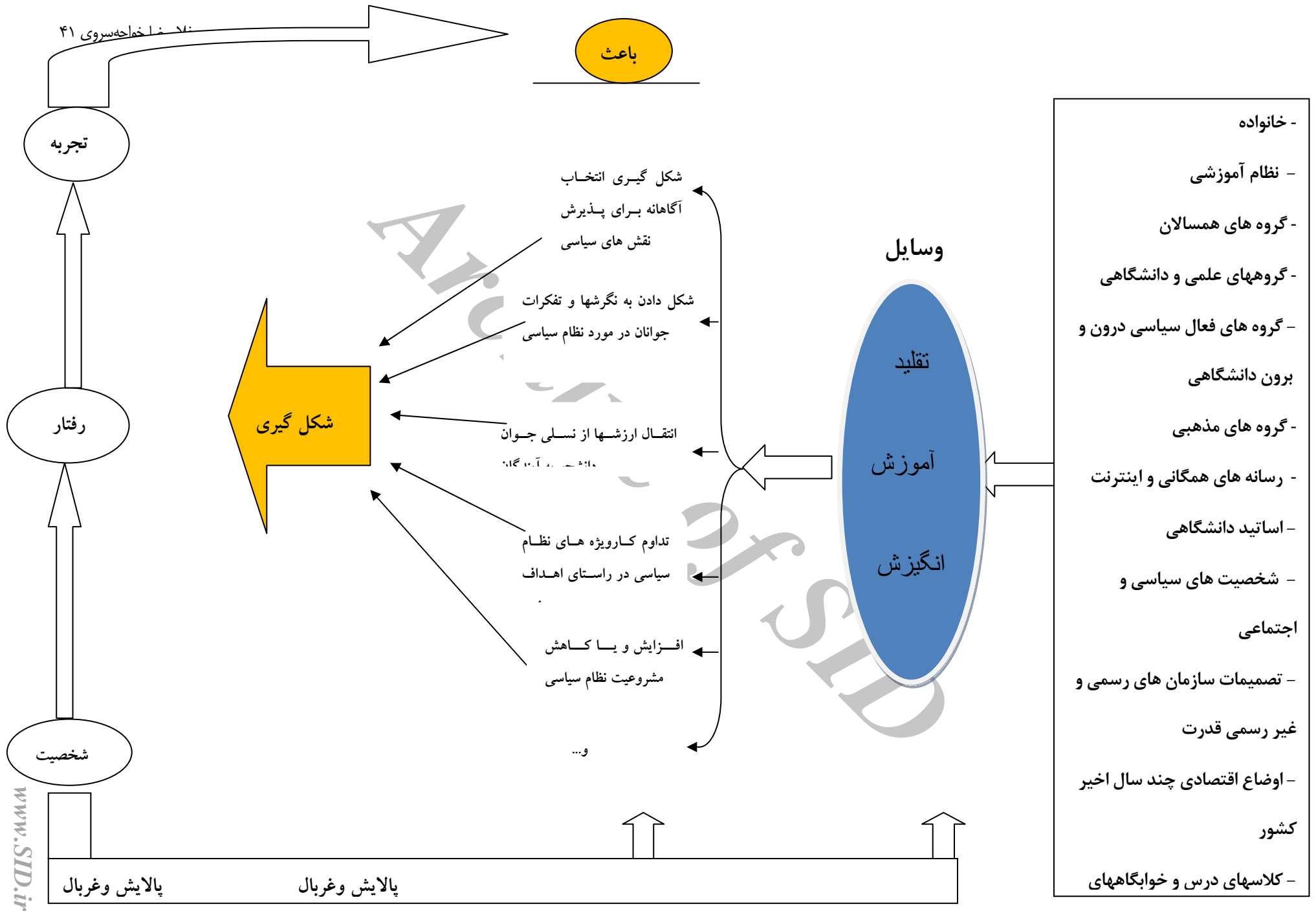
۳. فعالیت‌های فاقد ساختار (بی‌ساخت): جامعه‌پذیری سیاسی تنها متکی بر ساختار رسمی یا غیر رسمی نبوده و از طریق وسایل دیگری نیز صورت می‌پذیرد. که از آن جمله مشارکت افراد یا گروه‌ها در تظاهرات خودانگیخته و جماعت غوغا طلب و آشوب‌ها - خاصه سرشت سیاسی آن - است. فرد با مشارکت در آنها بسیاری از افکار، آراء و مکاتب سیاسی گروهی را که بدان وارد شده اخذ می‌نماید. یا هنگامی که تنها مشاهده‌گر چنین جماعتی است، از اندیشه و نظرات و مکاتب

سیاسی شان پرسیده و ممکن است که آن را مورد رد یا پذیرش قرار دهد (راش، ۱۳۷۷ و قوام ۱۳۶۹).

۴. رویدادها: شکی نیست که رویدادها به عنوان یکی از وسایل جامعه‌پذیری سیاسی محسوب می‌گردند که این امر در وقایع تظاهرات، آشوب‌ها در جنبه‌های ساختاری و غیر ساختاری - دیده می‌شود. بعنوان مثال جنبش دانشجویی دهه ۶۰ فرانسه نقش مهمی در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و ظهور جنبش‌های تندروی کارگری و اغتشاشات اتحادیه‌ای - در حمایت از دانشجویان - داشت که این امر به اشکال مختلفی در جهان بکار می‌رود. نمونه‌های بسیاری از فرایند جامعه‌پذیری از طریق وقایع یا اخباری که به ترور سیاسی توسط یک گروه یا اصلاح انتخابات، رشوه و یا فساد سیاسی در تایید یا رد نظام سیاسی می‌پردازند، دیده شده است (کمالی، ۱۳۷۷: ۵۹).

۵. افراد: بخش بزرگی از فرایند جامعه‌پذیری سیاسی به واسطه‌ی افراد نظیر والدین، همسر، دوستان، دشمنان، همدرسان و همکاران و غیره منتقل می‌گردد (Shipman; 1995). از این تعاریف معلوم می‌شود که جامعه‌پذیری در مفهوم عام آن دلالت بر فرایندی دارد که به انتقال و کسب ارزش‌ها، نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی منجر می‌گردد. اما مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی، مربوط به بخشی از مظاهر جامعه‌پذیری گردیده و از این رو با تاکید بر بخش سیاسی مفهومی مشخص تر و محدود تر یافته است (همان، ۶۱).

بنابراین در یک جمع بندی کوتاه می‌توان گفت که عوامل زیادی بر جامعه‌پذیری سیاسی تاثیرگذار می‌باشند که ما در این تحقیق صرفاً بدنال بررسی تاثیرگذاری نهادهای سیاسی و دانشگاهی و همچنین رخدادهای اقتصادی جامعه بر فرایند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان می‌باشیم. اینک مدل مفهومی تحقیق را در زیر ارائه می‌کنیم.



نقد و پاسخ به سئو ۴۱

باعث

وسایل

تقلید

آموزش

انگیزش

شکل گیری

تجربه

رفتار

شخصیت

شکل گیری انتخاب
آگاهانه برای پذیرش
نقش های سیاسی

شکل دادن به نگرشها و تفکرات
جووانان در مورد نظام سیاسی

انتقال ارزشها از نسلی جوان
به نسلی دیگر

تداوم کارویژه های نظام
سیاسی در راستای اهداف

افزایش و یا کاهش
مشروعیت نظام سیاسی
و...

پالایش و غربال

پالایش و غربال

۳. روش‌شناسی پژوهش

۳-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به هدف از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی و با توجه به روش تحقیق (طرح تحقیق) از نوع روابط علی- تحلیلی همچنین به لحاظ گردآوری اطلاعات از نوع پیمایشی می باشد.

روش گردآوری داده ها

پرسشنامه: ما پس از طراحی پرسشنامه با دقت خاصی، آنرا با کارشناسان بیشتری به بحث گذاشتیم و آنگاه به یک پرسشنامه مطلوب محقق ساخته در جهت انجام پژوهش دست یافتیم.

جامعه آماری و نمونه گیری با طبقه بندی و با تخصیص متناسب (تقسیم به نسبت): در این پژوهش، دانشجویان به عنوان جامعه آماری ما می باشند که ما دانشگاههای تحت نظر آموزش عالی را بنا به تقسیم بندی وزارت علوم به پنج دسته یا طبقه تقسیم کردیم و با روش تخصیص متناسب دست به انتخاب نمونه زدیم. یعنی از نمونه گیری طبقه بندی تصادفی ساده استفاده کردیم و علت این کار نیز وجود ناهمگنی میان دانشگاههای کشور بوده و در گام دوم نیز از میان این طبقات بصورت تصادفی دانشگاههای نمونه خود را انتخاب کردیم. لذا دانشگاههای منطقه یک (تهران)، منطقه دوم (آذربایجان شرقی - آذربایجان غربی - اردبیل - زنجان - کرمانشاه - قزوین - کردستان - همدان)، منطقه سه (خراسان - سمنان - گلستان - مازندران - گیلان)، منطقه چهار (اصفهان - قم - ایلام - چهارمحال بختیاری - مرکزی)، منطقه پنج (بوشهر - سیستان و بلوچستان - فارس - کهگیلویه و بویراحمد - هرمزگان - کرمان - خوزستان)؛ به عنوان طبقات ما در نظر گرفته شده اند که از درون این طبقات؛ دانشگاههای تهران، علامه طباطبایی، امیرکبیر و الزهرا را از منطقه اول؛ دانشگاههای رازی کرمانشاه، بین المللی قزوین، ارومیه و همدان از طبقه دوم؛ دانشگاههای فردوسی مشهد، ساری و رشت از منطقه سوم؛ دانشگاههای ایلام، اصفهان و قم از منطقه چهارم و در نهایت دانشگاههای یاسوج، شهید چمران اهواز و بوشهر از طبقه پنج، بصورت تصادفی دانشگاههای نمونه ما انتخاب شده اند. تعداد دانشجویان این طبقات، بنا به آمارهای وزارت علوم، به ترتیب طبقات (۸۰۶۰۶۷)، (۶۳۴۶۸)، (۱۰۶۲۰۳)، (۱۰۳۹۰۳)، (۱۳۰۲۳)؛ نفر می باشند.

در این پژوهش برای محاسبه حجم طبقات نمونه از روش تخصیص متناسب استفاده می‌کنیم. بدین منظور «C» را با استفاده از تست های پیشین «۰/۰۰۱» در نظر می‌گیریم. بنابراین:

$$n_i = CN_i$$

$$n_1+n_2+n_3+n_4+n_5=806+66+106+104+130=1210$$

۳-۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحقیق حاضر، اطلاعات به دست آمده با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند که نرم افزار آماری SPSS ابزار کار ما بوده است.

۳-۲-۱. فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: نظر می‌رسد بین تفکرات دینی و سیاسی خانواده، و نوع جامعه پذیری سیاسی دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد
فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین میزان استفاده از رسانه های داخلی و میزان جامعه پذیری سیاسی دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد.
فرضیه سوم: به نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی و معضل آینده ی شغلی دانشجویان تاثیری منفی بر روند جامعه پذیری سیاسی دانشجویان داشته است.

۳-۲-۲. توصیف یافته‌های پژوهش

جدول ۱- توزیع فراوانی و درصد نمونه مورد مطالعه بر حسب رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
علوم انسانی	۳۸۵	۴۰/۱
علوم پایه	۲۱۳	۲۲/۲
فنی مهندسی	۲۲۸	۲۳/۷
سایر	۱۳۴	۱۴/۰
جمع	۹۶۰	۱۰۰

جدول بالا فراوانی و درصد دانشجویان مشارکت کننده در این تحقیق بر حسب رشته تحصیلی را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که بیشترین تعداد، مربوط به دانشجویان رشته های علوم انسانی است.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد نمونه مورد مطالعه بر حسب مقطع تحصیلی دانشجویان

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد
کاردانی	۵	۰/۵
کارشناسی	۴۶۳	۴۳/۲
فوق لیسانس	۴۵۹	۴۲/۸
دکتری	۱۴۵	۱۳/۵
جمع	۱۰۷۲	۱۰۰

جدول بالا فراوانی و درصد دانشجویان مشارکت کننده در این تحقیق بر حسب مقطع تحصیلی را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که به ترتیب دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده اند.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد نمونه مورد مطالعه بر حسب عضویت در تشکل های دانشجویی

عضویت	فراوانی	درصد
بسیج	۱۸۶	۲۱/۳
انجمن اسلامی	۱۹	۲/۲
انجمن مستقل	۶	۰/۷
انجمن های علمی	۶۳	۷/۳
کانون ها فرهنگی دانشگاه	۲۴	۲/۷
هیچکدام	۵۷۳	۶۵/۸
جمع	۸۷۱	۱۰۰

جدول بالا فراوانی و درصد دانشجویان مشارکت کننده در این تحقیق بر حسب عضویت در تشکل های دانشجویی را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که بیشترین

تعداد مربوط به دانشجویانی است که عضو هیچ تشکلی نیستند. عضویت در بسیج بیشترین میزان را در بین تشکل های دانشجویی به خود اختصاص داده است.

جدول ۴- توزیع فراوانی و درصد نمونه مورد مطالعه بر حسب وضعیت اشتغال

وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد
شاغل	۱۲۸	۱۳/۷
کار دانشجویی و پاره وقت	۲۱۶	۲۳/۲
غیر شاغل	۵۸۹	۶۳/۱
جمع	۹۳۳	۱۰۰

جدول بالا فراوانی و درصد دانشجویان مشارکت کننده در این تحقیق بر حسب شغل را نشان می دهد. مشاهده می شود که بیشترین تعداد مربوط به دانشجویان غیر شاغل است. در مجموع حدود ۱۴ درصد دانشجویان شاغل و ۲۳ درصد نیز کار پاره وقت دارند.

جدول ۵- توزیع فراوانی و درصد نمونه مورد مطالعه بر حسب جنس

جنس	فراوانی	درصد
مؤنث	۵۴۴	۵۵/۱
مذکر	۴۴۴	۴۴/۹
نامشخص	۲۲۲	۱۸/۳
جمع	۹۸۸	۱۰۰

جدول بالا فراوانی و درصد دانشجویان مشارکت کننده در این تحقیق بر حسب جنس را نشان می دهد. مشاهده می شود که بیشترین تعداد مربوط به دانشجویان مؤنث است.

۳-۲-۳. بررسی و آزمون فرضیه‌ها

در جهت بررسی فرضیات و تعریفی که از جامعه پذیری سیاسی (فرایند انتقال ارزشهای سیاسی) ارائه کردیم، با همکاری کارشناسان امر شاخص هایی طراحی شده که پس از پاسخ سوال شونده، و بررسی نتایج با استفاده از طیف لیکرتی،

میزان نسبی جامعه‌پذیری افراد سنجیده شده و آنگاه این نتیجه متناسب با فرضیات طرح مورد سنجش قرار گرفته است. مهمترین شاخص‌های مورد سنجش ما که در نهایت در جلسات مختلف کارشناسی مورد تصویب قرار گرفته اند (به عنوان شاخص‌هایی برای دریافتن جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان)، در جدول ۱ می‌آید. ناگفته نماند که شاخص‌های دیگری هم وجود داشته است.

جدول ۱: شاخص‌های جامعه‌پذیری سیاسی

کاملاً موافق	موافق	تأییدی	مخالف	کاملاً مخالف	گویه‌ها
					شعار حقوق بشر و دموکراسی بهانه‌ای برای سلطه بیشتر کشورهای غربی می‌باشد.
					به نظر می‌رسد روابط اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی ما در جهان امروز نمی‌تواند بر اساس قوانین دینی تنظیم شود.
					کشور ما هر قدر به مبارزه مسلمانان و مخصوصاً مردم فلسطین علیه رژیم اسرائیل کمک کند به سود منافع ملی ماست.
					در انتصابات و انتخابات از بین دو نفر شایسته انتخاب که یکی از تعهد و تدین بالاتر و دیگری از تخصص و کارآمدی بیشتر برخوردار است، باید اولین گزینه را انتخاب نمود.
					هر چند برخی از قوانین سست و ناصحیح به نظر آیند، باید به آن التزام داشت.
					برقراری عدالت باید مهمترین هدف برقراری حکومتها باشد.
					با حفظ احترام آزادی بیان و عمل، هیچ فعالیتی که در وحدت جامعه اختلال ایجاد کند صحیح نیست.
					بهترین راه پیشرفت کشور ما پیاده‌سازی کامل جمهوریت و اسلامیت نظام طبق قانون اساسی است.
					به نظر من، تمدن غربی عالی‌ترین سطح رشد بشری است و مردم دیگر کشورها باید زندگی خود را بر اساس ویژگی‌های آن تنظیم کنند.

					جایگاهی که اسلام به زنان می‌دهد، می‌تواند در زندگی اجتماعی کنونی نیز سعادت آن را تامین کند.
					دلبستگی ما به گذشته تاریخی و فرهنگی و ادبی ایران باعث دوام و بقای کشورمان می‌شود.
					افتخارات و رشادتهای مردم ایران در جنگ هشت ساله با عراق موجب عزت و اقتدار کشور است.
					در هیچ شرایطی نباید اجازه داد که بیگانگان در امور کشور ما دخالت کنند.
					نظام مبتنی بر ولایت فقیه، مظهری از مردم سالاری است.
					انقلاب اسلامی ایران باعث بیداری سایر ملت‌های مسلمان شده است.
					اخبار و اطلاعاتی که از صدا و سیما و مطبوعات ما پخش می‌شود صادقانه تر از اخباری است که از رسانه‌های بیگانه پخش می‌شود.
					جمهوری اسلامی به عنوان یک نوع مردم سالاری دینی، بهترین روش حکومت برای کشور ماست.
					انقلاب اسلامی باعث حرکت کشور به سمت اهدافی چون پیشرفت، استقلال و آزادی و... شده است.
					به نظر من آزادی و استقلال ملی، در کشور ما تا حدودی تحقق یافته است و سرنوشت امور کشور در دست خود ما است.

فرضیه اول: نظر می‌رسد بین تفکرات دینی و سیاسی خانواده، و نوع جامعه پذیری سیاسی دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول ۴- مقایسه جامعه‌پذیری سیاسی بر حسب تفکرات دینی خانواده

جمع	غیر مذهبی	عادی	روشنفکر مذهبی	مذهبی سنتی	تفکرات دینی خانواده جامعه‌پذیری سیاسی
۲۴۵	۱۱	۸۳	۴۶	۱۰۵	کم
۲۳/۲	۴۸/۳	۱۹/۳	۱۷/۹	۱۰/۷	
۶۳۳	۶	۲۷۶	۱۵۱	۲۰۰	متوسط
۶۰/۲	۴۰/۲	۶۴/۲	۵۸/۸	۳۸/۵	
۱۷۵	۷	۷۱	۶۰	۳۷	زیاد
۱۶/۶	۱۱/۵	۱۶/۵	۲۳/۳	۵۰/۸	
۱۰۵۳	۲۴	۴۳۰	۲۵۷	۳۴۲	جمع
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	

مقدار $F = ۱۳/۴^{***}$

$P < ۰/۰۵$. $**P < ۰/۰۱$

درجه آزادی = ۳

جدول بالا ارتباط بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان و تفکرات دینی خانواده را نشان می‌دهد. مشاهده می‌شود که جامعه‌پذیری سیاسی بالا در خانواده‌های مذهبی سنتی حدود 51 درصد نمونه مورد مطالعه را به خود اختصاص داده است. این میزان در خانواده‌های روشنفکر مذهبی بیش از ۲۳ درصد، خانواده‌های عادی ۱۶,۵ درصد و در خانواده‌های غیر مذهبی بیش از ۱۱,۵ درصد می‌رسد. به همین ترتیب دانشجویان با جامعه‌پذیری کم در خانواده‌های با تفکر مذهبی سنتی حدود ۱۱ درصد، خانواده‌های روشنفکر مذهبی حدود ۱۸ درصد، خانواده‌های عادی ۱۹ درصد و در خانواده‌های غیرمذهبی افزون بر ۴۸ درصد است.

ارقام نشان می‌دهد که ظاهراً بین این دو متغیر ارتباط وجود دارد. برای بررسی ارتباط بین این دو متغیر و پاسخ به فرضیه ۳، نمره بدست آمده از سئوالات مربوط به شاخص جامعه‌پذیری سیاسی را در ۴ گروه تفکر دینی در خانواده از طریق آزمون F مقایسه نموده ایم. نتیجه این بررسی تأیید کننده تفاوت بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی به لحاظ نوع تفکر دینی در خانواده‌ها است. مقدار F در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱ معنادار است. جدول ذیل نشان می‌دهد که میانگین جامعه‌پذیری سیاسی به ترتیب در خانواده‌های مذهبی سنتی و روشنفکر مذهبی بالاتر است. کمترین میانگین نیز مربوط به دانشجویانی است که خانواده‌های غیر مذهبی قرار دارند.

جدول ۴-۱- مقایسه میانگین جامعه پذیری سیاسی بر حسب تفکرات دینی خانواده

گروه	میانگین	تعداد	انحراف معیار
مذهبی سستی	۳/۸۶۹۰	۳۴۲	۶/۱۸۲۱
روشنفکر مذهبی	۳/۰۶۰۷	۲۵۷	۷/۱۳۸۴
عادی	۲/۹۷۳۵	۴۳۰	۶/۱۰۹۸
غیر مذهبی	۲/۷۵۲۳	۲۴	۸/۶۹۳۹
کل	۲/۹۷۸۶	۱۰۵۳	۷/۲۰۷۹

به این ترتیب فرض سوم تحقیق در خصوص تاثیر تفکر دینی خانواده در جامعه پذیری دانشجویان مورد تأیید قرار گرفته و فرض صفر مرتبط با آن رد می شود و می توان با اطمینان حداقل ۹۹ درصد بیان نمود که بین تفکرات دینی خانواده، و نوع جامعه پذیری سیاسی دانشجویان ارتباط وجود دارد. فرضیه دوم: به نظر می رسد بین میزان استفاده از رسانه های داخلی و میزان جامعه پذیری سیاسی دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد.

جدول ۲- مقایسه جامعه پذیری سیاسی بر حسب میزان استفاده از رسانه ها

میزان استفاده از رسانه جامعه پذیری سیاسی	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۱۲۹	۱۱۲	۱۵	۲۵۶
	۳۲/۱	۲۴/۳	۶/۳	۲۳/۳
متوسط	۲۴۱	۲۷۸	۱۴۴	۶۶۳
	۶۰	۶۰/۴	۶۰/۳	۶۰/۲
زیاد	۳۲	۷۰	۸۰	۱۸۲
	۸	۱۵/۲	۳۳/۵	۱۶/۵
جمع	۴۰۲	۴۶۰	۲۳۹	۱۱۰۱
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ضریب همبستگی پیرسون = $0/34^{**}$

$0/01 < P < 0/05$. $0/01 < P < 0/05$

ضریب همبستگی اسپیرمن = $0/32^{**}$

جدول بالا ارتباط بین میزان جامعه پذیری سیاسی دانشجویان و میزان استفاده از رسانه ها را نشان می دهد. مشاهده می شود که در مجموع اکثریت دانشجویان (حدود ۴۲ درصد) به میزان متوسط مسائل سیاسی را از رسانه ها پیگیری می کنند.

مشاهده می‌شود دانشجویانی که میزان استفاده از رسانه‌ها را کم عنوان کرده‌اند، میزان جامعه‌پذیری سیاسی کمتری دارند. به همین ترتیب دانشجویانی که استفاده بیشتری از رسانه‌ها دارند جامعه‌پذیری سیاسی بالاتری دارند.

برای بررسی ارتباط بین این دو متغیر و پاسخ به فرضیه مذکور، نمره بدست آمده از سئوالات مربوط به شاخص جامعه‌پذیری سیاسی و نمره بدست آمده از سئوالات مربوط به میزان استفاده از رسانه‌ها را با ضرایب همبستگی پیرسون اسپیرمن مورد آزمون قرار داده‌ایم. نتیجه این بررسی تأیید کننده ارتباط مستقیم بین جامعه‌پذیری سیاسی و میزان استفاده از رسانه‌ها در دانشجویان است. ضریب همبستگی بدست آمده در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱ معنادار است و شدت این ارتباط متوسط است. به عبارت دیگر دانشجویانی که استفاده بیشتری از رسانه‌ها دارند جامعه‌پذیری سیاسی بالاتر دارند.

به این ترتیب فرض تحقیق مورد تأیید قرار گرفته و فرض صفر مرتبط با آن رد می‌شود. لذا می‌توان با اطمینان حداقل ۹۹ درصد بیان نمود که میزان استفاده از رسانه‌ها (تلویزیون، ماهواره، رادیو، مطبوعات، اینترنت) با جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان ارتباط دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد مشکلات اقتصادی و معضل آینده‌ی شغلی دانشجویان تأثیری منفی بر روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان داشته است.

جدول ۳- مقایسه جامعه‌پذیری سیاسی بر حسب نگرش نسبت به مشکلات اقتصادی و آینده شغلی

نگرش به مشکلات جامعه‌پذیری سیاسی	کم	متوسط	زیاد	جمع
کم	۴۶	۱۷۵	۳۰	۲۵۱
	۹/۸	۳۳/۳	۳۱/۹	۲۳/۱
متوسط	۲۹۲	۳۰۹	۵۳	۶۵۴
	۶۲/۴	۵۸/۹	۵۶/۴	۶۰/۲
زیاد	۱۳۰	۴۱	۱۱	۱۸۲
	۲۷/۸	۷/۸	۱۱/۷	۱۶/۷
جمع	۴۶۸	۵۲۵	۹۴	۱۰۸۷
	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

ضریب همبستگی پیرسون 0.35^{**}

$P < 0.01^{**}$. $P < 0.05^{*}$

ضریب همبستگی اسپیرمن 0.44^{**}

جدول بالا ارتباط بین میزان جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان و نگرش به میزان وجود مشکلات و معضل آینده شغلی در دانشجویان را نشان می‌دهد.

مشاهده می‌شود که در مجموع اکثریت دانشجویان (حدود ۵۰ درصد) مشکلات و معضل آینده شغلی را در دانشجویان به میزان متوسط ارزیابی کرده‌اند. مشاهده می‌شود حدود ۱۰ درصد دانشجویانی که مشکلات را کم ارزیابی کرده‌اند جامعه پذیری سیاسی کمی دارند. این رقم در گروه دانشجویانی که مشکلات را متوسط می‌دانند ۳۳ درصد و در گروه دانشجویانی که مشکلات را زیاد ارزیابی کرده‌اند حدود ۳۲ درصد است. به همین ترتیب حدود ۲۸ درصد دانشجویانی که مشکلات را کم ارزیابی کرده‌اند، جامعه پذیری سیاسی بالا دارند. در حالی که حدود ۱۲ درصد دانشجویانی که معتقدند مشکلات زیاد است، جامعه پذیری سیاسی بالا دارند. ارقام نشان می‌دهد که دانشجویانی که مشکلات اقتصادی معضل آینده شغلی دانشجویان را زیادتر می‌دانند، جامعه پذیری سیاسی کمتری دارند.

برای بررسی ارتباط بین این دو متغیر و پاسخ به فرضیه ۶، نمره بدست آمده از سئوالات مربوط به شاخص جامعه پذیری سیاسی و نمره بدست آمده از سئوالات مربوط به میزان مشکلات اقتصادی جامعه و معضل آینده شغلی جوانان، با ضرایب همبستگی پیرسون و اسپیرمن مورد آزمون قرار داده ایم. نتیجه این بررسی تأیید کننده ارتباط معکوس بین جامعه پذیری سیاسی و نگرش به میزان وجود مشکلات اقتصادی و معضل آینده شغلی جوانان است. ضریب همبستگی بدست آمده در سطح خطای کوچکتر از ۰,۰۱ معنادار است و شدت این ارتباط از متوسط بیشتر است. به عبارت دیگر دانشجویانی که مشکلات را بیشتر می‌دانند از جامعه پذیری سیاسی پائین تری برخوردارند.

به این ترتیب فرض تحقیق مورد تأیید قرار گرفته و فرض صفر مرتبط با آن رد می‌شود. لذا می‌توان با اطمینان حداقل ۹۹ درصد بیان نمود که مشکلات اقتصادی و معضل آینده شغلی دانشجویان تأثیری منفی بر جامعه پذیری سیاسی دانشجویان داشته است.

۴. نتیجه‌گیری

جامعه پذیری سیاسی آموزشی است که بدان وسیله از یک سو فرد ایستارها و سمت‌گیری‌هایی نسبت به پدیده سیاسی کسب می‌کند و از سوی دیگر جامعه هنجارهای سیاسی و باورها را از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهد. این روند انتقال

خود به خودی صورت نمی‌گیرد بلکه عامل‌ها و مجاری مهمی در این روند دخالت دارند.

نظریات آنتونی اورم و دووس در خصوص موسسات و عناصر مؤثر بر جامعه‌پذیری سیاسی و اجتماعی افراد اشاره داشته‌اند. اوروم معتقد است در فرایند جامعه‌پذیری یک فرد چهار عنصر کلیدی و مهم، یعنی والدین، گروه‌های همسالان، مدارس و رسانه‌های جمعی نقش دارند. از طرف دیگر دووس معتقد است که در فرایند جامعه‌پذیری یک فرد عناصری همچون ساختار سیاسی رسمی، ساختار سیاسی غیر رسمی، فعالیت‌های فاقد ساختار، رویدادها و خود شخص یا فرد؛ تاثیرگذار می‌باشند. که از مجموع این نظریات به خوبی هر چه تمام‌تر می‌توان عناصر تاثیرگذار بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان را در جمهوری اسلامی ایران استنباط کرده چنانچه تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش نیز نشان داده، می‌توان ادعا کرد که عوامل فوق‌الذکر در کلیات امر بر جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان در جمهوری اسلامی تاثیرگذار بوده و به صورت عواملی مسلط بر شکل دادن جامعه‌پذیری سیاسی عمل نموده که البته مصادیق و مولفه‌ها بنا به متفاوت بودن بافت‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع زندگانی این نظریه پردازان، تا حدودی ممکن است از همدیگر متفاوت باشند. در این راستا ما در این مقاله بنا به وسع کم آن، سه فرضیه را مورد آزمون قرار دادیم که فرضیات ما معنی دار بوده‌اند فرضیه اول ما به دنبال ارتباط بین تفکرات دینی خانواده، و نوع جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان بوده است که با جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات این تحقیق چنین نتیجه حاصل شده که بین تفکرات دینی و سیاسی خانواده دانشجویان با نوع و نحوه‌ی جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان ارتباط مستقیم وجود دارد. این نکته حاکی از این است که بنا به اصول اوروم در بررسی عوامل تاثیرگذار بر روند جامعه‌پذیری سیاسی، والدین و خانواده از جمله مهمترین و شاید تعیین‌کننده‌ترین عامل جامعه‌پذیری سیاسی در میان دانشجویان می‌باشند که این نیز بستگی به نوع تربیت خانوادگی و همچنین میزان دینداری آنها دارد. در این تحقیق مشخص شد که دانشجویان با پایگاه دینی و مذهبی قوی‌تر و سنتی‌تر نسبت به دانشجویان با پایگاه دینی و مذهبی سست‌تر، از جامعه‌پذیری سیاسی بالاتر برخوردار بودند.

چنانچه گفته شد در میان عوامل متعدد تاثیرگذار بر روند جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان، از نظر دووس، ساختارهای سیاسی و فرهنگی مرتبط و سیاستگذار در

عرصه‌ی دانشجویی از اهمیت بالایی برخوردار بوده به گونه‌ای که در صورت داشتن شناخت کافی از ذائقه‌ها و خواسته‌های دانشجویی و سیاستگذاری مطلوب و متناسب با خواسته‌های دانشجوی، جامعه‌پذیری سیاسی این طیف عظیم را هدایت کرده و در جهت یادگیری اصول و ارزشهای مورد توافق نظام، هدایت کرده و وظیفه خود را نیز به خوبی انجام داده باشند.

از دیگر عواملی که تمام نظریه پردازان حوزه جامعه‌پذیری سیاسی معتقد به تاثیر گذاری آن بر روند جامعه‌پذیری سیاسی افراد می‌باشند، رسانه‌ها است. این مولفه در مباحث اوروم، دووس، آلموندف زینگر و ... به وفور دیده می‌شود و حتی سایر تحقیقات انجام گرفته در زمینه جامعه‌پذیری سیاسی نیز این مطلب را تایید می‌کنند و معتقد به حاکمیت رسانه‌ها بر شکل‌گیری بخش مهمی از شخصیت اجتماعی انسان می‌باشند. ما نیز در فرضیه دوم خود نسبت استفاده از رسانه را با میزان جامعه‌پذیری سیاسی آنها مورد آزمایش قرار دادیم و متوجه شدیم که دانشجویانی که وقت بیشتری را صرف رسانه‌ها کرده از جامعه‌پذیری سیاسی بالاتری برخوردار بودند. ملاک ما نیز در این تحقیق رسانه‌های دولتی بودند که البته این با پایگاه اقتصادی و بعضاً مذهبی آنها ارتباط مستقیم داشت. به دنبال این نتیجه، این دیگر به مسئولان رسانه‌ای ما بستگی دارد که تا چه حد توانسته باشند در کیفی سازی برنامه‌های رسانه‌ای داخلی موفق عمل کرده باشند تا تقاضا برای رسانه‌های خارجی و مخالف نظام کاهش پیدا کند. در نهایت این بحث می‌توان گفت که رسانه‌ها نقش بسیار مهمی را در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان داشته‌اند. در فرضیه دیگری ما به بررسی رابطه‌ی مشکلات اقتصادی و معیشتی دانشجویان با جامعه‌پذیری سیاسی آنها پرداخته ایم و به این نکته پی برده ایم که دانشجویان با مشکلات اقتصادی بیشتر نسبت به دانشجویان مرفه‌تر، جامعه‌پذیری سیاسی کمتری داشته‌اند و دانشجویانی که مشکلات اقتصادی و معیشتی بیشتری داشتند از جامعه‌پذیری سیاسی کمتری برخوردار بودند و این به معنای رفع مایحتاج اولیه می‌باشد که دغدغه‌ناهمه چیز را از انسان می‌گیرد. ناگفته نماند که جامعه‌آماری ما چنانچه در عنوان و روش تحقیق نیز آمد، دانشگاه‌های دولتی کشور می‌باشند که غالب این دانشجویان از طبقات اقتصادی متوسط و پایین می‌باشند و نفس پاسخ دهی به سوالات پیمایش ما را نیز باید در این ظرف سنجید.

در مجموع می‌بایست اشاره کرد که بنا به نظریات اکثر اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، عوامل مختلفی از ساختارهای رسمی و غیر رسمی بر روند جامعه‌پذیری سیاسی افراد یک جامعه تاثیرگذار می‌باشند که در این تحقیق نیز مشاهده شده که هم رسانه و هم دغدغه‌های اقتصادی - معیشتی و هم پایگاه مذهبی خانواده بر جامعه‌پذیری سیاسی نقش مستقیم داشته‌اند که این عوامل مشتق از خروار عوامل موثر بر جامعه‌پذیری سیاسی می‌باشند که باید در تحقیقات آتی مورد بررسی قرار گیرند.

منابع

- آلموند و پاول، (۱۳۷۵)، *جامعه‌پذیری و فرهنگ سیاسی*، ترجمه علیرضا طیب، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۳ - ۱۱۴.
- آلموند، گابریل و دیگران، (۱۳۷۸)، *چارچوبی برای سیاست تطبیقی*، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اخترشهر، علی، (۱۳۸۶)، *مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی در حکومت دینی*، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، *آموزش دانش سیاسی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات نگاه معاصر.
- جعفری نژاد، مسعود، (۱۳۸۶)، *بررسی و تحلیل نقش معلمان بر جامعه‌پذیری سیاسی دانش‌آموزان دوره متوسطه: مطالعه موردی بخش پیر بکران*، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصادی، سال دوم، بهار و تابستان.
- چیلکوت، رونالد، (۱۳۷۷)، *نظریه‌های سیاست مقایسه‌ای*، ترجمه وحید ده بزرگی و علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران، رسا.
- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۷۸)، *جامعه‌پذیری سیاسی در نسل جوان و ثبات سیاسی در ایران*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره پنجم و ششم، پاییز و زمستان.
- راش، مایکل، (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، چاپ سوم، تهران، صبوری.
- سبزی پور، حامد، (۱۳۸۷)، *جامعه‌پذیری سیاسی: مروری کوتاه بر ادبیات موضوع*، ماهنامه رشد علوم اجتماعی، دوره یازدهم، شماره ۴، تابستان.
- شارع پور، محمد، (۱۳۷۸)، *فرهنگ عمومی*، شماره ۱۸ و ۱۹، تابستان.
- شارون، جونل، (۱۳۷۹)، *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران، نشر نی.

- عالم، عبدالرحمان، (۱۳۷۵)، *بنیادهای علم سیاست*، چاپ سوم، تهران، نشر نی.
- عبدالرحمن، عبدالله محمد، (۱۳۸۰)، *جامعه‌پذیری سیاسی*، ترجمه کامیار صداقت ثمرحسینی، چاپ اول، تهران، جوان.
- فیروز حایان، علی اصغر و جهانگیر جهانگیری، (۱۳۸۷)، *تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان: نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران*، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، دوره نهم، بهار و تابستان.
- قوام، عبدالعلی، (۱۳۶۹)، *درآمدی بر جامعه‌پذیری سیاسی*، مجله نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره هجدهم، شماره یک.
- کمالی، علی اکبر، (۱۳۷۴)، *بررسی مفهوم جامعه‌پذیری*، چاپ دوم، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- مهرداد، هرمز، (۱۳۷۶)، *جامعه‌پذیری سیاسی*، چاپ اول، تهران، پازنگ.

Bullis, C and B. Bach, (2003), *Socialization Turning Points: An Examination of Change in Organizational Identification*, Paper Presented at the Annual Meeting of the Western Speech Communication Association Spokane, W A. ERIC Document Number ED.

Data, A. Education and society, (2001), *A sociology of African Education* Macmillan.

Essen, A.J.A, (2010), *Implication for Secondary Education in Nigeria Paper presented at the 40th All Nigeria Conference of Principals of Secondary Schools (ANCOPSS)*. Uyo, Akwa Ibom state, Nigeria, Vision.

Langton, K.P, (1992), *Political Socialization*, London. Oxford University Press.

Shipman, M.D, (1995), *The Sociology of the School*, London: Longman.